

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره چهارم-زمستان ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۳۰

زیبایی‌شناسی بلاغی در حمله حیدری راجی کرمانی

(ص ۱۷۹-۱۹۹)

محمد رضا نجاریان (نویسنده مسئول)^۱، سید محمود الهام بخش^۲، سید خداداد کشاورز^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۲/۱۹

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۲۱

چکیده

حمله حیدری حماسه‌ای دینی است که ملابمانعلی راجی کرمانی (۱۲۹۱-۱۱۸۰) شاعر نامدار قرن سیزدهم هجری آن را سروده است. وزن این منظومه بر وزن شاهنامه فردوسی (بحر متقارب مثنی محذوف یا مقصور)، منطبق است. این حماسه در دو مجلد مشتمل بر ۱۶۹۵۴ بیت تدوین شده که جلد اول آن ۶۵۵۵ بیت و جلد دوم آن ۱۰۳۹۹ بیت است که به کوشش دو پژوهشگر، یحیی طالبیان و محمود مدبری، تصحیح انتقادی شده و به چاپ رسیده است. محتوای این اثر با آغاز وصف آفرینش موجودات و داستان تولد حضرت علی (ع) آغاز میشود و با فتح مکه و خبر دادن سپاه اسلام به رسول خدا (ص) از آمدن سپاه روم، پایان می‌یابد. این مقاله در حوزه تصویرآفرینی و بلاغت شکل گرفته و در دو شاخه بیان و آرایه‌های بدیع معنوی و برخی لفظی، عناصر بلاغی مندرج در حمله حیدری راجی کرمانی را ارائه و تحلیل کرده است. سؤال اصلی این پژوهش آن است که راجی کرمانی در چه حد و چگونه توانسته است در حماسه دینی خود از تصویرآفرینی بلاغی بهره ببرد؟ بررسیها نشان میدهد که راجی کرمانی آرایه‌های بیانی و بدیعی را در سطح وسیعی برای افزودن بر ارزشهای موسیقایی کلام خود، بکار گرفته و توانسته است زیبایی حاصل از این شگردها و فنون را در خدمت اندیشه‌های دینی و موضوع حماسی اثر خویش قرار دهد. در این پژوهش که بر اثر بررسی تک‌تک ابیات حماسه مذکور، انجام شده، مورد به مورد، با ارائه آمار و تحلیل محتوایی به نکات بیانی و بدیعی موجود در حمله حیدری راجی کرمانی پرداخته میشود.

کلمات کلیدی: راجی کرمانی، حمله حیدری، زیبایی‌شناسی، بلاغت.

^۱دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد، Reza_Najjarian@yahoo.com

^۲استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد.

^۳دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد.

مقدمه

حملة حیدری راجی کرمانی، منظومه‌ای از نوع حماسه دینی مصنوع است که تقلیدی از حماسه طبیعی و بویژه بسیار متأثر از شاهنامه فردوسی است؛ درباره این نوع حماسه و چگونگی پیدایش آن گفته شده است: «اینگونه حماسه در حقیقت بازآفرینی حماسه است، نه آفرینش حماسه» (انواع ادبی: ۵۸). عنصرهای بلاغی (بیان، بدیع) نسبت به آثار غنایی، ساده‌تر و آشکارتر و قابل فهم‌تر است. ذبیح‌الله صفا در مقایسه این دو اثر حماسی، معتقد است که: «اگر این کتاب (حملة حیدری راجی) را با حملة حیدری باذل مقایسه کنیم، آن را از نظر استحکام الفاظ و زیبایی ابیات بهتر می‌یابیم» (حماسه سرایی در ایران، ۳۸۵). راجی کرمانی برای ارائه روایات تاریخی - حماسی خود در منظومه حملة حیدری، به تصویرسازیه‌ها و صحنه‌آراییهایی تو سئل جسته است که غالب آنها با استفاده از آرایه‌های ادبی همچون تشبیه، مجاز، کنایه، استعاره، اغراق و... همراه هستند و در این موارد مواضع، خواننده احساس میکند که حوادث و رویدادها در برابر دیدگان او قرار دارند. بررسی کیفیت و کمیت این صنایع ادبی و چگونگی استفاده از آنها بدنه این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

پیشینه تحقیق:

محمود فضیلت در مقاله «سبک‌شناسی حمله حیدری ملابمانعلی راجی کرمانی» بر این باور است که از نظر زبان و مضمون راجی به حماسه نزدیک شده است و از شاهنامه فردوسی اثر پذیرفته است. تصویرپردازیهای راجی نیز از پیوند دو جنبه حسی و عقلی، بوجود آمده است. بزرگنمایی حوادث و مبالغه را میتوان از انواع صور خیال آن شاعر حماسه پرداز دانست (۱۳۷۹). بدیع‌الله دبیری نژاد در مجله «کتاب‌ماه» (هنر) در مقاله‌ای با عنوان «افتخارنامه حیدری» (معرفی حماسه‌های دینی ایران) به معرفی هفت حماسه دینی پرداخته و حمله حیدری راجی کرمانی را به طور مختصر معرفی کرده است (۱۳۸۰). کتاب حمله حیدری راجی کرمانی در دو مجلد به همت یحیی طالبیان و محمود مدبری تصحیح و توسط انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان، چاپ و منتشر شده است (۱۳۸۳). محمد علی صادقیان در مقاله‌ای با عنوان «بیان حماسی در منظومه حمله حیدری» در همایش بزرگداشت راجی کرمانی، اشاره‌ای گذرا به مبالغه و اغراق و تشبیه و تصویرسازی کرده است (۱۳۸۰). مجدالدین کیوانی در جلد دوم دانشنامه زبان و ادب فارسی در مدخلی با عنوان «حملة حیدری» ضمن شرح حال کوتاهی از راجی کرمانی، به معرفی شعر و اسلوب آن پرداخته است (۱۳۸۶). یدالله جلالی پندری در جلد چهاردهم دانشنامه جهان اسلام در مدخلی با عنوان «حملة حیدری» ضمن معرفی چند حماسه دینی دیگر درباره حمله حیدری راجی کرمانی و مؤلف آن و اسلوب شعری این اثر سخن گفته است (۱۳۸۹)، اما تاکنون، پژوهش خاصی به صورت مستقل و به شیوه آماری درباره فنون و صنایع بیانی و بدیعی در حمله حیدری راجی

کرمانی صورت نگرفته است. حکیمه دانشور در مقاله «مقایسه تطبیقی دو حمله حیدری راجی کرمانی و باذل مشهدی» (۱۳۹۲) شعر راجی را پخته روان و ساده می‌شمارد. شیوهٔ پژوهش در این مقاله بدینگونه است که همهٔ ابیات حماسهٔ دینی حملهٔ حیدری راجی کرمانی، مطالعه و بررسی و کلیهٔ آرایه‌های بیانی و برخی صنایع بدیعی مرتبط با صور خیال به صورت آماری استخراج شده و پس از توصیف و تحلیل، ابیاتی به عنوان شاهد مثال، آمده و به بقیهٔ ابیات، اغلب با شمارهٔ بیت، ارجاع داده شده است.

توصیف

در حملهٔ حیدری راجی کرمانی توصیفات بسیاری دیده میشود؛ از جمله توصیف ممدوح، شب، بزم و عروسی، فرشتگان، پهلوانان، سپاه و لشکر، صحنه‌های رزم، مکانها (قلعه، دژ و...)، عناصر طبیعی، شخصیت و عملکردهای پیامبر اسلام (ص) و بویژه، حضرت علی (ع) (با ابیاتی بسیار بیشتر از دیگر موارد) و... آمده است. توصیفات راجی کرمانی اغلب با اغراق و مبالغه همراه است، بویژه آنگاه که به توصیف سپاه و لشکر و فضای حماسی می‌پردازد؛ چنانکه در توصیف سپاه کفار قریش در جنگ بدر آورده است:

بفرمود پوشند خفتان کین	به جنبش درآمد زلشکر، زمین
ز بانگ درای و ز غوغای نای	دل کوه خارا برآمد ز جای
همه روی دشت از کران تا کران	سپر بود و خفتان گنداوران
	(ج ۱، ص ۲۰۰، ب ۳۹۹۴، ۳۹۹۹، ۴۰۰۱)

گاه این توصیفات راجی کرمانی، مربوط به بزم و عروسی است. در توصیف بزم عروسی حضرت محمد (ص) و خدیجه بنت خویلد چنین می‌گوید:

چو عمران بیاراست آن بز مگاه	در آن بزم شد شمع خورشید و ماه
فرود آمد از آسمان، مشتری	در آن بزم، از بهر رامشگری
همه پایهٔ کرسی از سیم و زر	مکمل به یاقوت و درّ و گهر
	(ج ۱، ص ۱۱۱، ب ۱۴۵۴-۱۴۵۵ و ۱۴۶۴)

یکی دیگر از توصیفات راجی کرمانی، توصیف موجودات خیالی همانند دیو است. راجی در داستان آمدن دیو نزد حضرت محمد (ص) و گشودن دستان بستهٔ آن دیو بوسیلهٔ پنجه‌های مولای متقیان، علی (ع) اینگونه آورده است:

که ناگه به سوی رسول مجید	بیامد یکی دیو زشت پلید
بر و بازو و ساعدش پهلوی	دو دستش فرو بسته در بر قوی
یکی زشت پتیاره دیدش نژند	گذشته سرش از سپهر بلند
	(ج ۱، ص ۸۳، ب ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۳۳)

توصیف حضرت علی(ع) قهرمان حماسه دینی راجی کرمانی در بسیاری از حکایات و ابیات این حماسه دینی از زبان سپاهیان اسلام و یا پهلوانان سپاه دشمن آمده است. برای نمونه، در غزوه بدر، از زبان شخصی به نام برجیس، حضرت علی(ع) را اینگونه برای ابوجهل توصیف میکند:

یکی نوجوانی است او را همال
جهان آفرین تا جهان کرد راست
اگر پا فشارد به کین، بر زمین
زمین و زمان از نهیبش نوان
ز خویشان و خویشان یکی خردسال
چو او زآفرینش ز گیتی نخاست
شود بر فلک، ماه و ماهی قرین
ز آسیب او، لرزه بر آسمان
(ج ۱، ص ۲۰۳ - ۲۰۲، ب ۴۰۶۹، ۴۰۷۹،
۴۰۸۷، ۴۰۹۲)

توصیفات راجی کرمانی در پاره‌ای موارد، از عناصر طبیعی همچون کوه، دریا، دشت، سپیده، شب و... مایه گرفته است. برای مثال، در توصیف شبی که قرار است ستاره ناهید به امر پروردگار به نشانه تزویج حضرت زهرا (س) بر بام خانه علی (ع) فرود آید، میگوید:

شبی هم‌چو بزم جنان، پر ز نور
شبی روز از او روشنی یافته
نمایان در او روی غلمان و حور
به خورشید، از او، روشنی یافته
(ج ۱، ص ۱۷۰ - ۱۷۱، ب ۳۱۷۵، ۳۱۷۷)

راجی کرمانی در توصیف برخی مکانها نیز از عناصر خیالی، بویژه اغراق و مبالغه، برای هرچه باشکوه‌تر جلوه دادن سخن خود، بهره جسته است؛ چنانکه در توصیف قلعه خیبر، اجرام آسمانی را در خدمت وصف خود قرار داده است:

یکی در از آن هفت در زان میان
به برجش نه برجیس را راه بود
گذشته ز رفعت ز نه آسمان
از آن، دست بهرام کوتاه بود
ز وزنش گران بود پشت زمین
دری بر در حصن بود آهنین
(ج ۲، ص ۲۶۳، ب ۶۲۹۱ - ۶۲۹۲، ۶۲۹۶)

راجی، علاوه بر توصیف بزرگان دین؛ همچون پیامبر اسلام (ص)، حضرت علی(ع)، حضرت زهرا (س)، امام حسین(ع) و امام عصر (عج)، به توصیف فرشتگان الهی و از جمله جبرئیل نیز پرداخته است. در توصیف جبرئیل در هنگام نزول در غار حرا و دیدار با پیامبر اسلام (ص) میگوید:

نبی گشت حیران ز راز و نیاز
که ناگاه شد قامت او بلند
به روح‌الامین دیده را کرد باز
بلندیش بگذشته از چون و چند
به مشرق، یکی یک به مغرب دراز
دو پایش کشیده ز هر سو فراز
(ج ۱، ص ۱۲۱، ب ۱۷۴۴ - ۱۷۴۵، ۱۷۴۷)

اکنون به زیبایی‌شناسی بلاغی (بیان، بدیع) در ابیات حمله حیدری پرداخته میشود.

۱- بیان

تشبیه: در حماسه دینی راجی، تشبیه توانسته است تمام نقشهای فوق‌الذکر را به خوبی ایفا کند. در حمله حیدری راجی، حدود (۵۵۸) مورد تشبیه از قبیل: مفرد، مرکب، بلیغ، تسویه، مفروق، جمع و ملفوف، بکار رفته که در این میان، بیشترین ارقام مربوط به تشبیه مفرد است. یعنی حدود (۲۳۵) مورد تشبیه مفرد در این اثر حماسی به نحوی زیبا جلوه‌گری نموده است.

جوانی بدیدش چو سرو روان که از دیدنش پیر گشتی جوان
(ج ۱، ص ۷۳، ب ۳۳۷)

در بیت بالا، جوان، مشبه مفرد غیر مقید و سرو روان، مشبه به مفرد مقید است.
ستوران چو کشتی در آن بی سوار شده نیروی ایزدی آشکار
(ج ۱، ص ۲۷۵، ب ۶۱۶۷)

در این منظومه حماسی، تشبیهات عقلی بسیاری دیده میشود، برای مثال:
چو آمد از این داستانش به گوش دلش هم چو آتش برآمد به جوش
(ج ۱، ص ۱۰۸، ب ۱۳۸۷)

(نیز: ج ۱: ۱۱۳۰، ۱۲۳۶، ۱۲۶۸، ۱۳۰۴، ۱۳۳۴، ۱۶۲۳، ۱۶۴۰، ۱۶۹۷، ۲۵۲۶، ۲۶۵۶ و... ۵۰۲۷، ۵۳۹۱، ۵۶۱۱ و ۶۱۶۵، ۶۲۳۵ و ۶۴۲۳ و ج ۲: ۱۷، ۲۵، ۶۱ و... ۳۸۰، ۴۳۷، ۴۵۲ و... ۶۹۸ و... ۸۹۳، ۱۰۸۳ و... ۲۰۸۷، ۲۷۲۸ و... ۳۰۰۱ و... ۴۰۰۶، ۴۰۳۴ و... ۱۰۳۸۶، ۱۰۳۸۷).

پس از تشبیه مفرد، تشبیه بلیغ است؛ یعنی در این اثر حماسی تعداد ۱۸۷ مورد مربوط به تشبیه بلیغ اضافی و اسنادی است. کاربرد تشبیه بلیغ اضافی بسیار بیشتر از بلیغ اسنادی است. ترکیباتی همچون ماه رخ، سرو قد، نهال امید، تاج نبوت، مرغ دل، کوه آتش، جام خورشید، عروس سخن، چاه عدم، درخت امید، به تشبیه بلیغ اضافی اختصاص داده است:

بسی بر نیامد بر آن روزگار که آمد نهال امیدش به بار
فلک، برقی از خنجر تیز اوست (ج ۱، ص ۶۹، ب ۲۲۱)
شفق، عکسی از تیغ خونریز اوست
(ج ۲، ص ۳۴، ب ۱۶۱)

نهال امید (عقلی به حسی) به صورت تشبیه بلیغ اضافی و در بیت دوم، دو تشبیه بلیغ اسنادی (فلک به برق خنجر و شفق به عکس تیغ همانند گشته) در دو مصرع بکار رفته است.
(نیز ج ۱: ۱۷۷، ۲۲۵، ۷۳۷، ۳۲۰۰، ۳۵۲۷، ۳۹۲۳ و... ۴۵۴۱، ۴۸۱۲، ۵۰۴۵، ۵۵۳۲ و... ۶۱۶۵ و ج ۲: ۱۵، ۱۴۱، ۱۶۷، ۱۷۵، ۲۳۵ و... ۶۰۹، ۶۶۷، ۶۷۹ و... ۹۳۳، ۹۴۳ و... ۱۰۵۷ و... ۲۰۴۰ و... ۳۲۷۹، ۳۵۴۳ و... ۴۹۲۴ و... ۶۸۵۰ و... ۷۵۷۲ و... ۸۷۴۶ و... ۹۹۹۴ و... ۱۰۱۵۶، ۱۰۳۷۵).

انواع تشبیه مرکب (مرکب به مرکب، مفرد به مرکب، مرکب به مفرد) از نظر کمیت، در رتبه سوم قرار دارد. بسامد این تشبیه در این حماسه یکصد و دوازده (۱۱۲) مورد است. شاعر با خلق تصویرهای دل‌انگیز، بگونه‌ای عمل کند که خواننده ابیاتی از تشبیهات او، بهره‌های وافر ببرد.

همه گرد آن غار گشتند جمع گرایان چو پروانه بر گرد شمع
(ج ۱، ص ۱۳۲، ب ۲۰۶۰)

حالت جمع شدن ابوطالب و مسلمانان در درون غاری در شعب ابوطالب، به حالت بر گرد شمع گردیدن پروانه همانند شده. حالت گرد شدن سپاه اطراف پیامبر (ص) همانند جمع ستارگان اطراف ماه (ج ۱، ب ۳۹۵)، حالت قرار گرفتن شمشیر علی (ع) بر سر کیشه، همانند حالت انگشت پیامبر و جرم ماه (ج ۲، ب ۱۰۷۵).

(نیز جلد ۱: ۱۷۵۴، ۱۸۷۴، ۲۳۹۳، ۲۵۳۶، ۲۵۳۸، ۳۱۷۵، ۳۸۸۸، و... ۴۳۸۳ و... ۵۳۶۸ و... ۶۵۱۹ و ج ۲: ۶۴۴، ۹۹۴، ۱۰۵۲، ۱۲۲۴ و... ۲۰۷۷ و... ۳۷۹۹ و... ۴۰۱۳ و... ۴۵۶۳ و... ۵۰۲۴، ۵۰۴۸ و... ۶۰۸۴ و... ۷۱۰۸، ۷۱۱۸ و... ۸۰۲۹ و... ۱۰۳۸۲ دیده میشود).

تشبیه تسویه، ملفوف، مفروق و جمع نیز بسیار محدود دیده میشوند. شاعر در این اثر تنها نه (۹) مورد تشبیه تسویه بکار برده است؛ مثل تشبیه سپهر و ستاره به سیماب:

ز سیمای او، چرخ در تاب بود سپهر و ستاره چو سیماب بود
(ج ۱، ص ۸۲، ب ۶۱۹)

تشبیه روی و رای به بدر منیر (ج ۱، ب ۲۳۴۳)، زمین و زمان به شب تار (ج ۲، ب ۳۴۷). (نیز ج ۱: ۴۴۹۵، ۵۷۵۹، ۶۴۵۴ و ج ۲: ۵۴۷، ۹۶۳۲، ۱۰۰۶۳). (۸) تشبیه ملفوف نیز دیده میشود:

به میدان تن شاه و آن پیلتن چو نور خداوند و چو اهرمن
(ج ۲، ص ۲۲۲، ب ۵۱۹۲)

از اینگونه تشبیه، همانند کردن لب و زلف به سمن و برگ گل (ج ۲، ب ۶۱۰۰) مهر و ماه به یونس و یوسف (ج ۲، ب ۶۶۵۵). (نیز ج ۲: ۷۱۰۰، ۷۲۱۶، ۷۵۹۹، ۷۸۵۰، ۷۸۵۴).

همچنین راجی کرمانی در این اثر، فقط پنج (۵) مورد تشبیه مفروق بکار برده است:

چو برجیس رای و چو خورشید روی خجل خسرو خاور از روی اوی
(ج ۱، ص ۱۵۲، ب ۲۶۳۸)

شاعر علاوه بر آوردن تشبیه تفضیل در بیت و استعاره مکنیه (جاندار انگاری) در مصراع دوم، در مصراع اول، پی‌درپی رای را به برجیس و روی را به خورشید همانند کرده و تشبیه مفروق پدید آورده است. (نیز ج ۲: ۲۲۴، ۱۵۲۱، ۵۵۵۹، ۸۴۹۵)

کمترین تشبیه، تشبیه جمع است و تنها در دو بیت، دیده میشود:

چه شعبی؟ که آن بود حصن حصین بلند آسمانی به روی زمین
(ج ۱، ص ۱۳۱، ب ۲۰۴۹)

به تندی چو باد و چو آتش به تاب ز سم سمندش دل خاک آب
(ج ۱، ص ۲۱۳، ب ۴۳۶۳)

شعب ابوطالب به حصن حصین و آسمان بلند و پهلوانی به نام عبدالعزی به باد و آتش همانند شده و با خلق تشبیه جمع تصویرهای هنری زیبایی آفریده شده است.

استعاره

حماسه اصالتاً، جای استعاره و حتی در مواردی، تشبیه نیست و تشبیه تنها در موارد خاصی از بدنه حماسه، میتواند بکار گرفته شود. (صور خیال در شعر فارسی، ۳۸۴). البته برخی صاحب‌نظران، همانند سیروس شمیسا، معتقدند که «برای حماسه در سطح ادبی، از همه مهمتر، استعاره است» (انواع ادبی، ص ۱۰۴). اصل در حماسه روشنی تصاویر است و استعاره‌های دور از ذهن و پیچیده فهم مطالب را به مراتب دشوارتر میکند. راجی کرمانی در حماسه خود از میان عناصر بیانی، استعاره را بیشتر از تشبیه، کنایه و مجاز بکار برده است؛ به طوریکه در حمله حیدری او، راجی کرمانی حدود هشتصد (۸۰۰) مورد استعاره مصرحه و مکنیه بکار رفته است که از این تعداد، (۴۱۵) مورد استعاره مصرحه و (۳۸۵) مورد استعاره مکنیه هستند.

الف) استعاره مصرحه: بسامد بالای این نوع استعاره در شعر راجی حاکی از توانایی ذوق و خلاقیت شاعر در این زمینه است؛ حتی در یک بیت تعداد شش استعاره مصرحه بکار برده است:

ز نرگس به گلبرگ تر ژاله ریخت ز بادام بیجاده بر لاله ریخت
(ج ۲، ص ۶۵، ب ۹۱۷)

شاعر به ترتیب، نرگس، گلبرگ تر، ژاله، بادام، بیجاده و لاله را استعاره از چشم، چهره، اشک، چشم، اشک و چهره گرفته و استعاره مصرحه مرشحه آورده است.

شاعر در استعاره‌های خود، هم واژه‌های حماسی را به اقتضای زبان حماسه، برای استعاره، بکار گرفته و هم واژه‌های غیرحماسی را که در ساقی‌نامه‌ها و در توصیف زنان حماسه و توصیف عناصر طبیعی و صحنه‌های بدون درگیری واژه‌های غیرحماسی کاربرد بیشتری دارند، آورده است:

که شیر اندر آمد میان رمه شبان و رمه آزموده همه
(ج ۱، ب ۴۲۶۰)

در داستان بدر، واژه حماسی شیر استعاره مصرحه از حضرت علی (ع) است و یا در بیت زیر:

برآمد یکی ازدهای دژم که گفתי بسوزد جهان را به دم
(ج ۲، ب ۶۵۶۷)

شاعر در داستان غزوه خیبر، تصویر حماسی ازدها را استعاره مصرحه از حارث، پهلوان یهودی و برادر مرحب، دانسته است. راجی در حماسه خود، در برخی موارد موجودات خیالی، همانند «دیو»، را در خدمت استعاره قرار داده است؛ چنانکه در بیت زیر:

بدیدش چو آن عم نیکو سرشست خجل گشت از کار آن دیو زشت
(ج ۱، ب ۲۶۴۶)

با توجه به سیاق متن در حادثه اسلام آوردن حمزه، دیو استعاره مصرحه از ابولهب است. اجرام آسمانی مثل ماه، خورشید و آفتاب نیز در این نوع استعاره بکار رفته است:

ز جا جستی آن ماه و کردی سلام به تعظیم، بهر رسول کرام
(ج ۱، ب ۲۲۹۶)

ماه، استعاره مصرحه مجرده از حضرت خدیجه، همسر پیامبر اسلام (ص) است؛ زمانیکه پیامبر پس از برگشت از معراج به خانه خویش می‌آید و ماه خانه؛ یعنی حضرت خدیجه با احترام و تعظیم به او سلام میکند. البته شاعر در ابیات دیگری ماه را استعاره مصرحه از حضرت فاطمه زهرا (س) و فاطمه بنت اسد و... نیز گرفته است. (نیز ج ۱: ۶۸، ۲۲۲، ۱۱۱۵، ۱۲۳۸، ۱۳۸۴، ۱۳۹۵، ۱۵۹۸، ۱۶۰۸، ۱۶۲۳، ۲۳۰۰، ۲۳۵۲، ۲۳۵۵، ۲۵۳۶، ۲۵۳۹، ۲۶۳۸، ۲۸۱۵ و... ۳۶۰۶، ۴۴۳۲، ۴۵۴۲، ۴۸۰۷ و... ۶۰۸۷ و ج ۲ ابیات: ۶۵، ۳۴۰، ۳۶۰، ۳۷۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۵۰۳ و... ۷۶۵، ۹۰۰، ۹۱۷، ۱۲۲۵ و... ۲۴۷۸، ۲۴۹۲، ۲۶۵۷).

ب) استعاره مکنیه: در شعر راجی کرمانی از رهگذر استعاره مکنیه، تصویرهای زیبایی خلق شده است. راجی با توجه به اینکه سیصد و هشتاد و پنج (۳۸۵) مورد استعاره مکنیه در شعر خویش آورده است، میتوان گفت که تنوع تصویرهای مبتنی بر استعاره مکنیه در حمله حیدری بسیار زیاد است. برای مثال، شاعر بسیاری از این استعارات را به اجرام آسمانی و عناصر طبیعی ترکیبی همانند، دامن چرخ، ناف سپهر، رخ مه، دامن زمین، چشم گردون، دل تیر، دل کوه، پهلوی برجیس، و غیر ترکیبی همانند گردون چهر مالید، بهرام گوش گرفت اختصاص داده است.

ز خون دامن چرخ گلگون کنند فلک را سر و افسر از خون کنند
(ج ۱، ص ۱۰۹، ب ۱۴۰۲)

راجی در بیت فوق، ضمن توصیفی اغراق‌گونه درباره ابوجهل، با ذکر دو استعاره مکنیه، دامن چرخ و سر و افسر فلک، تصویری زیبا آورده است. این شاعر تعداد قابل توجهی از استعارات مکنیه را به عناصر انتزاعی ترکیبی همانند: دیده عقل، پای اندیشه، دست اندیشه، گریبان دل، پای دل، پای خرد، چهر اسلام، پشت اسلام، دامن کبریا، گوش عرش، دل عرش و... اختصاص داده است.

چنان روح در جسم پنهان کند کزو دیده عقل حیران کند
(ج ۱، ص ۶۲، ب ۲۲)

دیدۀ عقل، استعارۀ مکنیه و دیده، یکی از اجزای مشبّه‌به است.

در موارد بسیاری، استعارۀ مکنیه غیر ترکیبی همانند حرم بوسه زد، زمین را نفس گرفت، ماه مویید، ز ماهی خروش آمد، بهرام ترسید، خورشید خشمگین گشت، فلک سوگوار شد، آسمان مویه‌گر بود، عرش گریه کرد، قلم گریان شد و... استعارۀ مکنیه، از نوع جاندار انگاری است:

بر او شش ره و هفت خرگه گریست ز ماهی خروش آمد و مه گریست
(ص ۲۵۱، ب ۵۵۱۰)

گریستن شش ره و هفت خرگه و مه و خروش ماهی، همه جاندار انگاری هستند. گاهی استعارۀ مکنیه با توجه به زبان حماسی اثر، با واژه‌های حماسی، همراه میشود، مانند خورشید خنجر کشیدن، تیغ کشیدن زمین و تیغ کشیدن مهر، بهرام سپر بر سر آوردن:

سحر گه چو خورشید خنجر کشید سپاه شب تیره شد ناپدید
(ج ۱، ص ۲۱۹، ب ۴۵۴۱)

ز بیم سر نیزه و گرز و تیر سپر بر سر آورد بهرام پیر
(ج ۲، ص ۲۸۸، ب ۶۹۷۱)

(همچنین، در ابیات ج ۱: ۱۲، ۴۲۵، ۸۳۷، ۱۴۰۲، ۱۴۰۵، ۱۴۲۰، ۲۰۳۲، ۲۱۱۱، ۲۱۳۲، ۲۱۸۸، ۲۳۰۶، ۲۳۳۱، ۳۵۴۴، ۳۶۳۶، ۳۷۳۱، ۴۱۱۵، ۴۱۴۴، ۴۲۶۶ و... ۵۰۵۶، ۵۲۰۷، ۵۴۵۷ و... ۶۰۱۴، ۶۰۳۱ و... ۶۴۸۸، و ج ۲: ۶۵، ۱۶۶، ۲۱۷، ۳۰۶، ۳۱۴، ۴۲۵، ۴۲۸، ۴۸۶، ۵۰۲، ۵۰۸ و... ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۵۸ و... ۷۰۴، ۷۰۶ و... ۸۰۶ و... ۹۱۸ و... ۱۰۴۳، ۱۰۶۰ و... ۲۰۴۶ و... ۳۰۱۱، ۳۰۱۹ و... ۴۰۵۰، ۵۳۲۲، ۵۴۱۹ و... ۶۰۵۳ و... ۷۰۱۴، ۷۰۳۴ و... ۸۰۸۲، ۸۰۸۵).

مجاز:

در حمله حیدری راجی کرمانی تعداد (۱۷۳) پدیده مجاز مرسل، شامل مجاز به علاقه محلّیت، جنسیت، آلیت، سببیت، حالیت و مجاز به علاقه ماکان بکار رفته است که در میان این مجازها، مجاز به علاقه محلّیت با تعداد (۹۱) مورد، در صدر قرار دارد. شاعر با خلق تنوع این مجازها، از یک سو توانسته است کلام ادبی را از حالت عادی و بی‌روح، خارج سازد و از سوی دیگر، توانایی بالای خود را در آفریدن این نوع آرایه بیانی به نمایش گذارد. شاعر در این اثر حماسی، معمولاً واژه‌های شهر، کشور، ملک، بوم و بر، هامون، جهان، زمین، دشت و گیتی را مجاز محلّیت قرار داده و در این میان، بیشترین کاربرد مجازی در واژه «جهان» است.

جهان جمله در زیر فرمان توسط تن و جان ما جملگی آن توسط
(ج ۱، ص ۱۰۲، ب ۱۲۶۶)

همه شهر اندر تماشای او فرو مانده از روی و از رای او
(ج ۱، ص ۱۱۷، ب ۱۶۳۹)

(نیز ج ۱: ۷۹۸، ۱۲۷۸، ۱۳۷۸، ۱۴۱۲، ۱۹۲۹ و... ۲۶۸۱ و... ۳۷۸۰ و... ۴۹۴۰، ۵۱۲۶، ۵۳۵۹ و... ۵۸۷۶ و ج ۲: ۳۵، ۴۱۹، ۶۳۴، ۹۴۵ و... ۱۲۳۱ و... ۲۹۶۷ و... ۳۸۱۲ و... ۴۷۸۹، ۵۱۳۶، ۳۵۳۲ و... ۶۶۷۷ و... ۸۳۳۰، ۸۵۰۶، ۹۹۴۵ و... ۱۰۳۷۲).

پس از مجاز به علاقه محلیت، مجاز به علاقه آلیت با تعداد سی و هفت (۳۷) مورد است:

پی یاری ما، در این دشت کین برآرد خدا دست خود زآستین
(ج ۲، ص ۴۷، ب ۴۶۸)

دست به علاقه آلیت، مجازاً، به معنی قدرت خدا اراده شده است.

(نیز ج ۱: ۷۸۵، ۵۷۹۶، ۶۱۴۲، و ج ۲: ۲۴، ۴۶۸، ۷۴۴، ۱۰۵۷، ۱۵۸۳، ۱۷۴۴، ۱۷۷۰، ۱۷۸۲، ۱۷۸۴، ۲۲۴۶، ۲۲۵۰، ۳۴۸۲، ۳۵۶۲، ۳۵۶۳، ۳۵۶۴، ۳۵۶۵، ۳۵۶۶، ۳۵۶۷، ۳۵۶۸).

(۲۶) مورد مجاز به علاقه سببیت دیده میشود:

به رخساره ماه مهر منیر همی دید و از وی نم‌یگشت سیر
(ج ۱، ص ۱۳۸، ب ۲۲۴۷)

واژه سیر به معنی بیزار و سیری، علت و سبب بیزاری است.

(نیز ج ۱: ۳۶۶۰، ۴۳۸۷، ۵۲۸۱، ۵۳۳۴، ۵۶۰۴، ۵۹۹۴، ۶۰۶۶، ۶۲۴۵، ۶۵۳۰، و ج ۲: ۳۰۵، ۱۳۰۱، ۱۵۲۸، ۲۴۶۵، ۲۶۷۵، ۳۵۸۸، ۳۶۳۶، ۴۵۸۴، ۴۶۵۲، ۴۶۷۶، ۴۷۳۴، ۴۷۵۴، ۵۱۰۱).

مجاز به علاقه جنسیت با تعداد شانزده (۱۶) مورد در مرتبه چهارم جای گرفته است:

همه غرق آهن ز سرتا به پای به هر کوچه و برزنی نیست جای
(ج ۱، ص ۱۳۰، ب ۲۰۱۴)

آهن به اعتبار اینکه ماده و جنس شمشیر و نیزه و کلاه‌خود و وسایل جنگی بوده به معنی مجازی بکار رفته است.

(نیز ج ۱: ۲۰۶۳، ۲۸۳۲، ۴۱۱۵، ۴۱۱۶، ۴۳۶۵، ۴۵۵۰، و ج ۲: ۶۵۷۰، ۶۶۹۹، ۶۷۰۱، ۷۰۴۱، ۷۰۶۸، ۷۲۳۵، ۷۳۴۷، ۷۳۷۴، ۱۰۰۹۸)

در حمله حیدری راجی کرمانی مجاز به علاقه ماکان، فقط در دو بیت آمده است:

چنان خاک بالانشینی کند که چون او یکی خویش بینی کند
(ج ۱، ص ۶۳، ب ۵۵)

توانایی ناتوانا از اوست گیل تیره دانا و بینا از اوست
(ج ۱، ص ۳۲، ب ۱۰۵)

خاک و گیل تیره مجاز از انسان است. مجاز به علاقه حالت در یک بیت بکار رفته است:

پرس‌تار آتش در آتش نشست چرایبی پرس‌تار آتش‌پرس‌ت
(ج ۲، ص ۲۴۹، ب ۵۹۱۲)

پیامبر (ص) خبر مرگ خسرو پرویز را به فرستاده بازان، پادشاه یمن می‌دهد که پرستار آتش، منظور خسرو پرویز است و «آتش» در مصرع اول، مجاز به علاقه‌حالیته جهنم (محل آتش) است. کنایه

در حماسه دینی حمله حیدری راجی کرمانی، کلیه کنایات بکار رفته از نوع ایما یا اشاره است. کل کنایات بکار رفته در این اثر حماسی حدود (۴۷۵) مورد است که تعداد (۵۳) مورد از این کنایات را ترکیب کنایی «کمر بستن» به خود اختصاص داده است:

به خونخواهیش هر که بندد کمر نداند کسی خون آن نامور
(ج ۱، ص ۱۵۵، ب ۲۷۳۱)

ترکیبات کنایی از قبیل: سر آمدن زمان، نماز بردن، دمار برآوردن، از پای درآوردن، روی زرد شدن، عنان پیچیدن، گره بر ابرو زدن، رخت بربستن، لب به دندان گزیدن، سر به گرد آوردن در شعر و نثر پیشینیان و بویژه در شاهنامه فردوسی، بکار گرفته شده‌اند.

رسیدند اینک در این تیره غار همین دم برآزند از ما، دمار
(ج ۱، ص ۱۶۱، ب ۲۸۸۵)

در حمله حیدری راجی، کنایاتی وجود دارد که ریشه در آداب و رسوم و فرهنگ مردم دارد و گویی این کنایات با آیین زندگی آنان آمیخته است و رنگ عرف و عادت به خود گرفته‌اند.

همه لشکر کوفه پر خون، جگر بگفتند از درد، با یکدیگر
(ج ۲، ص ۱۱۶، ب ۲۲۸۴)

«خون در جگر داشتن»، کنایه از رنج بسیار کشیدن (فرهنگ کنایات، ۱۹۱)

چگونه شوم سوی تو مهر خواه که دخت نبی دیده دارد به راه
(ج ۲، ص ۱۷۵، ب ۳۹۲۹)

فرو شد به خاک و برآمد زجای ز شادی ندانست سر را ز پای
(ج ۲، ص ۲۶۸، ب ۶۴۲۱)

(نیز ج ۱: ۷۵۲، ۷۸۱، ۸۸۴، ۱۰۲۷، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۲۵۲، ۱۳۳۰، ۱۴۴۵، ۱۵۵۸ و...
۲۹۲۲، ۳۰۴۱ و... ۳۹۸۴ و... ۴۲۶۳ و... ۴۸۷۶، ۵۰۳۲ و... ۵۹۶۶، ۶۰۷۳ و... ۶۴۰۳ و... ج ۲: ۸۰، ۲۱۳، ۲۱۵، ۳۸۵، ۳۹۷ و... ۴۸۵ و... ۵۹۴، ۶۱۵، ۶۸۹ و... ۸۵۴).

۲- بدیع (آرایه‌های معنوی)

اغراق

در حمله حیدری راجی، به علت قالب مثنوی اثر و بیان حکایات و حوادث حماسی و محور عمودی ابیات علاوه بر تک بیتها، در اغلب موارد، طی بیش از بیست بیت پی‌درپی، اغراق بکار رفته است. شاعر معمولاً این اغراقها را در وصف سخن خود، ستایش ممدوح، توصیف و ستایش حضرت

محمد(ص)، امام علی(ع)، وصف پهلوانان، وصف سپاه و لشکر، موجودات خیالی همانند دیو، توصیف صحنه‌های نبرد و حتی وصف امام عصر (عج) بکار برده است. در حماسه راجی تولد حضرت علی(ع) تا جوانی و دلاوریهای او در میدانهای گوناگون رزم، به تصویر کشیده شده است. در غزوه بدر، پهلوانی به نام ولید به نبرد با علی (ع) می‌آید و شاعر با اغراق، توانایی و شجاعت علی (ع) را به تصویر میکشد:

برآمد چو شمشیر او از نیام	فکند از کف خویش خورشید جام
تزلزل به نه طاق مینا فتاد	تلاطم به هر هفت دریا فتاد
فرو رفت در آب گوی زمین	نهان گشت در خاک عرش برین
ز شمشیر او گشت برقی پدید	به سوی ولید دلاور وزید

(ج ۱، ص ۲۶۵، ب ۵۸۹۰، ۵۸۹۲ و ۵۸۹۶)

و یا در توصیف میدان رزم و قدرت ستوران آورده است:

سر نیزه بدرید پهلوی مهر	دم تیغ ببرید ناف سپهر
فلک گشت پامال سم سمند	زمین شد به بالای چرخ بلند

(ج ۱، ص ۲۲۰، ب ۴۵۵۳ - ۴۵۵۴)

(همچنین در ابیات ج ۱: ۱۲۰، ۱۴۶، ۱۷۲ - ۱۸۱ تا ۱۸۸، ۱۰۱۳ تا ۱۰۱۷، ۱۱۰۱ تا ۱۱۰۴ و...، ۲۰۸۷ تا ۲۰۸۸ و... ۳۵۲۶ تا ۳۵۵۰ و...، ۴۰۴۶ تا ۴۰۴۹، ۴۵۴۵ تا ۴۵۸۰ و...، ۶۰۲۸ تا ۶۰۳۲ و ج ۲: ۳۰۵، ۳۰۴، ۳۲۲ تا ۳۲۵ و...، ۵۳۲ تا ۵۵۰ و...، ۱۴۵۸ تا ۱۴۶۹ و...، ۳۵۶۵ تا ۳۵۷۹).

لف و نشر

در سراسر حماسه راجی، تعداد نه (۹) مورد لف و نشر مرتب و نامرتب بکار رفته که (۷) مورد لف و نشر مرتب و (۲) مورد لف و نشر نامرتب هستند.

حریف هنرپرور و شیخ خام	به آن نام گیرند تسبیح و جام
------------------------	-----------------------------

(ج ۱، ص ۱۷۶، ب ۳۳۴۵)

این شاعر در ساقی‌نامه‌ای، از زبان مغنی، اینگونه سروده است:

که از عشرتم این زمان کوتاهی است	مرا جام و جیب از می و زر تهی است
---------------------------------	----------------------------------

(ج ۲، ص ۲۵۵، ب ۶۰۷۰)

به ترتیب، جام و جیب، لفها هستند و می و زر، نشرها هستند. (نیز ج ۱: ۳۰۴۴، ۳۰۸۴، ۳۳۶۳، ۳۳۸۲ و ج ۲: ۷۱۱۷، ۸۶۸۴، ۸۷۳۷).

مراعات نظیر (تناسب)

در حمله حیدری راجی کرمانی، ابیاتی که بیش از سه کلمه در آنها تناسب دارند بررسی شده است و در کل این حماسه دینی، حدود یکصد و نود و پنج (۱۹۵) مورد آرایه مراعات نظیر که با این

اوصاف، وجود دارد. این واژه‌ها بیشتر از نوع واژه‌های حماسی، رزمی، دینی، رزم‌ابزارها، اجرام آسمانی، عناصر طبیعی، مکانها، آلات موسیقی و طرب، جواهرات، حیوانات، اعضای بدن انسان و حیوان و جز آنها هستند که آرایه بدیعی مراعات نظیر را در این اثر حماسی به خود اختصاص داده‌اند. شایان ذکر است به سبب حماسی بودن اثر، رزم افزارهایی مانند زره، کمان، زه، خنجر، تیغ، گرز، خود، کمند، تیر، ترکش، خدنگ، سپر، مغفر، شمشیر، نیزه، کوپال، سنان، برگستوان، زین، فتراک بیشترین آرایه تناسب (مراعات نظیر) را نسبت به واژه‌های دیگر، بوجود آورده‌اند. شاعر در زمینه خلق کردن آرایه مراعات نظیر، چنان دستی توانا دارد که در بیت زیر، هفت واژه را با هم در بیت همراه کرده و آرایه مراعات نظیر زیبایی به تصویر کشیده است:

ز شمشیر و تیغ و کمند و کمان ز کوپال و از خود و برگستوان
(نیز ۱: ۹، ۶۱، ۶۲، ۶۹، ۱۶۳، ۱۱۵۷، ۲۸۰۰، ۳۸۸۰، ۴۷۲۱، ۵۴۱۷، ۵۸۶۰، ۶۱۲۱، ۱۲۳، ۲۳۰، ۴۳۲، ۱۳۲۰، ۳۰۷۹، ۳۹۰۳، ۴۸۴۵، ۵۸۹۵، ۶۷۰۹، ۷۹۵۵، ۸۸۴۸، ۹۰۰۲، ۹۹۹۸، ۱۰۰۱۰، ۱۰۲۳۲).

تلمیح

علاوه بر تلمیح به آیات قرآنی و احادیث، تلمیح به داستانهای تاریخی و مذهبی نیز حدود سیصد و هشت (۳۰۸) مورد در حمله حیدری راجی کرمانی بکار رفته است که مربوط به حوادث زندگی پیامبرانی چون محمد(ص)، آدم، ابراهیم، موسی، عیسی، نوح، یوسف، خضر، سلیمان، یونس، یعقوب، هود، لوط، و اشخاصی مذهبی همانند علی(ع)، مریم، هارون، بلقیس و غیر مذهبی مانند فرعون، سامری، نمرود، و شاهان اسطوره‌ای همانند جمشید، و غیر اسطوره‌ای چون اسکندر، انوشیروان، و دانشمندانی چون افلاطون، ارسطو و جز آن هستند. در میان ۳۰۸ مورد تلمیحات بکار رفته در این منظومه، بیشترین تعداد مربوط به حوادث زندگی حضرت موسی(ع) است که از این ۸۵ مورد، تعداد (۵۳) تلمیح به حادثه موسی و آتش طور، اختصاص یافته است. در این بیت در داستان سلمان فارسی و حضرت علی(ع)، هنگامیکه سلمان نزد پیامبر(ص) می‌آید، پیامبر(ص) در وصف علی(ع)، هنگامی که او را در معراج دیده است، به سلمان می‌گوید:

دمادم زهر سوی نوری فروخت که از تاب آن آتش طور سوخت
(ج ۱، ص ۹۵، ب ۱۰۱۷)

تلمیح به داستان حضرت موسی و مشاهده آتش در کوه طور است.

برخی از این تلمیحات مربوط به اعتقادات قدما و عوام هست:

ز یال و برش گاو و ماهی به تاب فروزان زهر سوی او آفتاب
(ج ۱، ص ۹۵، ب ۱۰۱۴)

در افسانه‌های آریایی، گاو مقدس و نماینده قدرت و نیرو است. از اینرو، قدما معتقد بودند که زمین روی شاخ گاو قرار دارد و گاو بر پشت ماهی بزرگ، و او در دریاها شناور است (فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادب فارسی، ۳۶۱).

(نیز ج ۱: ۱۵، ۵۰، ۵۷، ۱۲۵، ۱۶۵، ۱۶۶ و...، ۲۵۲، ۲۵۳ و...، ۳۴۸ و...، ۴۴۷ و...، ۷۹۲ و...، ۸۸۲ و...، ۱۴۸۷ و...، ۱۷۱۹ و...، ۱۹۶۶ و...، ۲۵۴۳ و...، ۳۵۲۰ و...، ۵۰۲۹ و...، ۵۸۶۸، ج ۲: ۱۴۸ و...، ۴۷۵ و...، ۷۵۳ و...، ۱۰۴۹، ۱۰۵۴ و...، ۳۲۳۷ و...، ۳۳۲۱ و...، ۴۹۲۶ و...، ۵۲۰۲ و...، ۵۸۶۲ و...، ۶۹۱۷ و...، ۷۹۱۲ و...، ۸۹۳۷ و...، ۹۵۵۲).

۳- بدیع (آرایه‌های لفظی)

جناس:

در میان جناس‌های بکار رفته جناس ناقص اختلافی در حرف اول بسیار بیشتر از سایر جناسها بکار رفته است که شاعر حدود ۹۰٪ این جناس را بخاطر مثنوی بودن اثر قافیه قرار داده است. پس از جناس ناقص اختلافی در حرف اول به ترتیب جناسهای ناقص اختلافی در حرف آخر و وسط و جناسهای ناقص افزایش قرار دارند:

در گنج اسرار از او گشت باز / از او آشکار است پوشیده راز
(ج ۱، ص ۶۲، ب ۳۵)

جناس ناقص اختلافی در حرف اول در واژه‌های باز و راز.

ز تن رفته تاب و ز رخ رفته رنگ / دل آسا شده با شتاب و درنگ
(ج ۱، ص ۱۰۷، ب ۱۳۶۲)

جناس ناقص افزایش در واژه‌های تاب و شتاب و رنگ و درنگ.

(نیز ج ۱: ۵۰، ۷۹، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۳۱ و...، ۱۳۸۱، ۱۳۹۰، ۱۴۷۴ و...، ۱۵۰۸ و...، ۱۵۹۸ و...، ۶۵۵۵ و ج ۲: ۱، ۸، ۹، ۲۴، ۳۰ و...، ۵۳ و...، ۱۲۱ و...، ۱۸۱۵ و...، ۲۱۲۸، ۴۵۶۴ و...، ۵۷۰۶ و...، ۶۹۸۱ و...، ۷۹۸۶ و...، ۸۹۹۸ و...، ۹۹۹۹ و...، ۱۰۳۸۴).

پس از جناسهای ناقص اختلافی و افزایشی، جناس تام در مرتبه دوم قرار دارد و شاعر حدود (۳۶) مورد جناس تام در این اثر حماسی خویش بکار برده و هنرنمایی نموده است:

ز جان تو آمد به تنها روان / روان از تو آمد به تنها روان
(ج ۱، ص ۱۱۹، ب ۱۷۰۶)

از اینگونه جناس در واژه‌های روی، روی (ج ۱، ص ۹۴، ب ۹۶۸)، سران، سران (ج ۱، ص ۱۰۸، ب ۱۳۸۹)، زن، زن (ج ۲، ص ۳۶، ب ۱۹۰)، تیغ، تیغ (ج ۲، ص ۴۰، ب ۳۱۳).

(نیز ج ۱: ۸۸، ۱۳۰۹، ۲۵۴۳، ۳۰۱۲، ۳۲۰۱، ۳۳۶۵، ۳۶۴۲، ۴۴۴۷، ۵۵۵۷، ۵۵۶۲، ۵۸۲۰، و ج ۲: ۳۱۳، ۳۶۴، ۱۱۱۱، ۱۶۵۶، ۱۹۳۶، ۲۱۶۳، ۲۳۴۱، ۲۹۷۳، ۳۳۹۰، ۳۴۱۲، ۳۶۰۱).

پس از جناس تام، جناس ناقص حرکتی به تعداد هشت (۸) مورد، در مرتبه سوم قرار دارد:
بمالید بر مَهرش از مِهر چهر بر او زار بگریست نیلی سپهر
(ج ۲، ص ۲۲۸، ب ۴۸۱۰)

جناس ناقص حرکتی بین واژه های مَهر و مِهر.

(نیز ج ۱: ۳۱۰۴ و ج ۲: ۲۵۲۱، ۵۵۷۲، ۷۲۷۳، ۸۶۲۱، ۸۶۷۹، ۸۹۷۴).

جناس مرکب مفروق در این اثر حماسی فقط در یک بیت آمده است:

به یاری که در پرده اش دلبری است دلارام دلها و از دل بری است
(ج ۲، ص ۱۶۰، ب ۳۴۸۹)

تکرار

تکرار واژه در شعر راجی کرمانی در بسیاری از ابیات آن بکار رفته است و شاعر توانسته است با آفرینش آرایه تکرار بجا و مناسب، موسیقی کلام خود را زینت دهد. بسیاری از این تکرار واژه ها در بیش از سه کلمه است.

ز نوک سَنان، سَنان شد پدید سری کاو سَنان و سَنان آفرید
(ج ۲، ص ۱۴۲، ب ۲۹۷۳)

در بیت فوق، واژه سَنان چهار بار تکرار گشته و ضمن آوردن آرایه تکرار، در مصرع اول بین واژه های سَنان به معنی نیزه و سَنان به معنی روشنایی و نور آرایه جناس تام خلق نموده است.

(نیز ج ۱: ۱۷۰۶، ۱۸۰۱، ۱۹۳۶، ۱۹۷۱، ۱۹۹۴، و... ۲۸۱۸، و... ۳۷۷۶، و... ۵۲۲۵، ۵۴۶۴، و ج ۲: ۱۱۴۰، و... ۲۳۱۰، و... ۳۲۰۸، و... ۳۳۲۰، ۳۴۰۸، ۳۶۸۰، ۳۹۸۴، ۴۰۸۳، و... ۴۳۰۳، ۴۹۲۱، ۵۰۰۲، ۵۰۲۵، ۵۰۳۷، و... ۵۷۷۸، ۶۰۹۰، و... ۷۶۱۵).

تصدیر (رد العجز علی الصدر):

راجی کرمانی برای هرچه زیباتر کردن کلام خود، موسیقی شعر و آشکار کردن هنر و فضل خویش، بیش از هفده (۱۷) مورد آرایه تصدیر در حماسه دینی خویش آورده است.

خلیل از سخن جست راه دلیل ز گفتار شد پور آزر خلیل
کلام از مسیحا برآورد نام شده پور عمران کلیم از کلام
(ج ۲، ص ۱۷۷، ب ۳۹۹۶ - ۳۹۹۷)

(ج ۱: ۸۷۲، ۵۴۹۵، ۵۶۹۰، و ج ۲: ۱۱۶، ۱۲۸۲، ۱۳۶۲، ۱۵۸۳، ۲۰۹۸، ۳۹۳۰، ۴۰۰۸، ۴۱۳۰، ۴۳۱۶، ۴۶۹۶، ۸۷۲۳، ۹۰۲۱)

ابداعات

راجی کرمانی در حمله حیدری با توجه به حماسه دینی بودن اثر خویش، در زمینه‌های گوناگون چون توصیفات، محتوا، واژه‌ها، آرایه‌های بیانی و بدیعی و ترکیبات ابداعات و نوآوریهای خاص خود را داشته است که ذکر همه موارد در این مجال ممکن نیست و در اینجا به چند موردی اشاره میشود:

۱- در توصیف صحنه‌های اغراق آمیز (همراه با آرایه‌های بیانی مانند تشبیه، کنایه و غیره)، حضور نیروهای غیبی در حماسه دینی راجی بر خلاف حماسه‌های ملی است. در این اثر فرشتگان و ملائک، حوریان، غلمان بهشتی و امدادهای غیبی در بزم و رزم شرکت دارند. چنانکه شاعر در داستان رفتن فاطمه زهرا(س) به جشن زنان کفار قریش در خانه ابوجهل آورده است:

همه صف کشنده اند غلمان و حور ستادند جبریل و میکال دور
(ج ۱ ص ۱۴۷ ب ۲۵۰۴)

و یا در غزوه احد هنگامیکه پیامبر(ص) در میدان نبرد تنها مانده است، فرشتگان لباس رزم پوشیده و آماده کارزار میشوند:

بدیدش ملائک فزون از شمار به جوشن کمر بسته در کارزار
(ج ۲ ص ۹۲ ب ۱۶۱۵)

۲- آوردن ترکیب وصفی واژه‌های رزمی، ملی و مذهبی همانند درع پیغمبری، خفتان پیغمبری، مغفر حیدری:

به تن زینت از درع پیغمبری نمایان ز درعش تن حیدری
به برکرده خفتان پیغمبری نهاده به سر مغفر حیدری
(ج ۱ ص ۲۳۷ ب ۵۵۵۹-۵۵۶۰)

۳- تاثیر لهجه کرمانی در کاربرد زبانی راجی که در لهجه کرمانی واژه «ماند» را «مُند» تلفظ کرده و با واژه «کُند» قافیه ساخته است:

نه جبرئیل تنها زره باز مُند در این راه میکال گردید کُند
(ج ۱ ص ۱۳۷ ب ۲۲۰۷)

۴- آوردن ساقی‌نامه‌های کوتاه و بلند^۱ با مناسبهای گوناگون در لابلائی اثر حماسی سترگ خویش، لطف خاصی به سخن او بخشیده است. شایان ذکر است که راجی کرمانی شاید نخستین کسی باشد که در موضوع اندوه و ماتم ساقی‌نامه سروده است. چنانکه در داستان عروسی قاسم بن حسن (ع) با یک بیت شادی را و با بیتی دیگر غم را بهم آمیخته است.

تن ماهرویان پر از خون ببین بتان را ز خون، چهر گلمگون ببین
فضای دو گیتی پر از ناله کن ز خون چشم این دهر پر زاله کن

^۱- کوتاهترین ساقی نامه چهار بیت و بلندترین ساقی نامه دویست و هفتاد بیت است.

بگو زهره آید به رامشگری در این بزم راهی زند مشتری
(ج ۱ صص ۲۲۹-۲۳۰ ب ۴۸۴۳، ۴۸۴۷-
(۴۸۴۸)

۵- در تشبیه مرکب (حسی به حسی) شاعر تعداد کم سپاه اسلام را در جنگ بدر در برابر تعداد بسیار سپاه کفار قریش، همانند قرار گرفتن مویی سفید در بدن گاوی سیاه به تصویر کشیده است و تصویری نو و ابتکاری خلق کرده است.

همه جیش اسلام با آن سپاه چو موی سفیدی به گاو سیاه
(ج ۱ ص ۲۲۰ ب ۴۵۸۲)

۶- در داستان کربلا هنگامیکه امام حسین(ع) با اسب خود سخن میگوید، شاعر به صورت ابتکاری میان دو واژه «باره» (به معنی اسب) و «باره» (به معنی مورد و موضوع) آرایه جناس تام قائل شده است:

تو ای باره زین کار دل شاد دار در این باره دل از غم آزاد دار
(ج ۲ ص ۱۱۸ ب ۲۳۴۱)

۷- راجی کرمانی توانسته است تنها با جابه جایی دو واژه (تار، مزمار) در مصرع اول، همه کلمات مصرع اول را در مصرع دوم تکرار کند و آرایه تکرار و تصدیر زیبا و نویی بیافریند:
به مزمار از این پرده‌ام تار بند از این پرده‌ام تار مزمار بند
(ج ۲ ص ۳۳ ب ۱۱۶)

۸- علاوه بر اینکه بسیاری از واژه‌های بکاررفته در حمله حیدری راجی کرمانی اختلاطی از واژه‌های حماسی، غنایی و عرفانی است، حتی در نکات بلاغی چون تشبیه، تصویرهای حماسی و غنایی را بهم آمیخته است. چنانکه در بیت زیر، در غزوه خندق، ضربه زدن ابوبکر به سنگ را به افسون عاشق به معشوقان سنگین دل همانند کرده است:

بدی ضرب صدیق و سنگ گران چون افسون عاشق به سنگین دلان
(ج ۲ ص ۱۹۸ ب ۴۵۶۳)

۹- آوردن ترکیبات کنایی جدید چون «ژاژ خواهی کردن»:
به خویشان خود کینه خواهی کند به خال و به عم ژاژ خواهی کند
(ج ۱ ص ۱۱۵ ب ۱۵۹۱)

۱۰- ترکیب فعلی «شناوا کن»: شناوا از این نظم کن گوش هوش
بر جوهری باش گوهر فروش
(ج ۱ ص ۱۷۹ ب ۳۴۰۸)

۱۱- آوردن فعل «مکید»:

به دست و به دندان کشید و مکید به دلش از غم آن جگر خون چکید
(ج ۲ ص ۷۸ ب ۱۲۵۲)

۱۲- بکاربردن واژه «گوازه» به معنی نوعی طبل و کوس جنگی!^۱
خروش گوازه برآمد به ماه که شد کار قوم قریشی تباه
(ج ۲ ص ۳۳۳ ب ۸۱۸۲)

۱۳- آوردن اصطلاحات فلسفی چون وجود، عدم، حدوث و قدم در حماسه:
به هم ریخت نقش وجود و عدم توگفتی حوادث بند جز قدم
(ج ۲ ص ۳۰۶ ب ۷۴۵۶)

۱۴- آوردن امثال و حکم همچون «جوینده یابنده است»:
ندادی ره راستی را ز دست از آن ره که جوینده یابنده است
(ج ۱ ص ۱۶۳ ب ۲۹۴۳)

۱۵- قافیه ساختن پسوند تشبیه «وَن» که از عیوب قافیه شمرده می شود:
همه آهن آگین و فولادون به پولاد و آهن بپوشید تن
(ج ۱ ص ۱۵۹ ب ۲۸۳۲)

نتیجه

در حملهٔ حیدری، راجی کرمانی با هنر توصیف توانسته است در بسیاری از داستانهای حماسهٔ دینی خود از زیباییهای بیانی و بدیعی بهره ببرد. شاعر در این توصیفات با ذکر آرایه‌های بیانی و بدیعی به وصف افراد مذهبی و غیر مذهبی، فرشتگان الهی از جمله جبرئیل، اجرام آسمانی، عناصر طبیعی، سپاه و لشکر، مکانها و ... پرداخته است. در حملهٔ حیدری راجی کرمانی در میان آرایه‌های بیانی، بیشتر بسامد مربوط به آرایهٔ استعاره است. در این اثر حماسی حدود ۸۰۰ مورد استعاره بکار رفته که ۴۱۵ مورد استعارهٔ مصرحه و ۳۸۵ مورد استعارهٔ مکنیه است. آرایهٔ تشبیه در هفت نوع با ۵۸۸ مورد در رتبهٔ دوم بعد از استعاره قرار گرفته است. در میان انواع تشبیه، تشبیه مفرد با ۲۳۵ مورد بیشترین و تشبیه جمع با دو مورد، کمترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند. در حملهٔ حیدری راجی، کنایه (از نوع ایماء) ۴۷۵ مورد از نظر کمیت بعد از تشبیه قرار دارد. در این منظومه، آرایهٔ مجاز در شش نوع، میان آرایه‌های بیانی با ۱۷۳ مورد آخرین و کمترین آرایهٔ بیانی است. آرایهٔ مجاز به علاقهٔ محلیت با ۹۱ مورد بیشترین و مجاز به علاقهٔ حالیت با یک مورد کمترین تعداد را داشته است.

^۱- این واژه در فرهنگهایی همچون واژنامک نوشین، لغت نامه دهخدا، فرهنگ آندراج، برهان قاطع، سرمه سلیمانی، فرهنگ خیام، فرهنگ لغات و تعبیرات خاقانی، فرهنگ فارسی پیام، فرهنگ صبا، غیث اللغات و فرهنگ لغات شاهنامه به معنی سرزنش، طعنه، تمسخر، کنایه و طنز ثبت و ضبط گردیده است.

در این اثر حماسی، در میان آرایه‌های بدیع معنوی، از نظر کمیت بیشترین موارد مربوط به آرایه اغراق و مراعات نظیر (تناسب) است. شاعر در اغلب ابیات خود از یک بیت تا بیش از بیست بیت در توصیفات گوناگون، با آوردن آرایه اغراق، تصویرهای زیبا و دل‌انگیزی ساخته است. راجی کرمانی در خلق آرایه مراعات نظیر که در بیش از سه کلمه تنا سب دارند حدود ۱۹۵ مورد را ذکر کرده که در بعضی ابیات با همراه کردن هفت واژه متناسب، آرایه مراعات نظیر زیبایی ساخته است. شایان ذکر است با توجه به حماسی بودن اثر بیشترین تناسباتها میان واژه‌های حماسی و رزمی است. در حمله حیدری راجی کرمانی تلمیح به داستانهای تاریخی و مذهبی حدود ۳۰۸ مورد آمده که بیشترین تعداد؛ یعنی حدود ۸۵ مورد مربوط به زندگی و حوادث حضرت موسی (ع) است. آرایه لف نشر در میان آرایه‌های بدیع معنوی، کمترین تعداد؛ یعنی نه مورد بکار رفته که هفت مورد به لف نشر مرتب و دو مورد به لف نشر نامرتب، اختصاص یافته است. در این اثر حماسی در میان آرایه‌های بدیع لفظی، آرایه جناس، از نظر کمیت در صدر قرار دارد. در این منظومه، بیشترین مورد مربوط به جناس ناقص اختلافی در حرف اول است و به سبب مثنوی بودن قالب آن حدود ۹۰٪ این جناس در واژه‌های قافیه بکار رفته است. پس از جناس ناقص اختلافی در حرف اول، جناسهای اختلافی در حرف آخر و وسط و جناسهای ناقص افزایشی قرار دارند. آرایه جناس تام ۳۶ مورد، آرایه جناس ناقص حرکتی هشت مورد و کمترین جناس بکار رفته جناس مرکب که فقط در یک بیت آمده است. آرایه تکرار واژه در بسیاری از ابیات حمله حیدری راجی بکار رفته است. شاعر با آفرینش آرایه تکرار بجا و مناسب، توانسته است، موسیقی کلام خود را زینت دهد. در این منظومه حماسی آرایه تصدیر- که نوعی تکرار است- حدود هفده مورد آمده که شاعر در این زمینه هنر و فضل خویش را آشکار ساخته است. شاعر در تصویرسازی‌های هنرمندانه خود؛ گاه متأثر از شعرای پیش از خود و بویژه فردوسی بوده است. بکار بردن آرایه‌های بدیعی و بیانی در سطح وسیع در این حماسه دینی نشان از ذهن خلاق و سیال راجی کرمانی است که توانسته است این صنایع و فنون ادبی را در خدمت افکار و اندیشه‌های دینی و موضوع حماسی اثر خویش قرار دهد.

فهرست منابع

۱. اسرارالبلاغه، جرجانی، عبدالقاهر، ترجمه جلیل تجلیل، ۱۳۷۴، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. افتخارنامه حیدری، (معرفی حماسه‌های دینی ایران)، دبیری نژاد، بدیع‌الله، کتاب ماه (هنر و معماری) فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰، شماره ۳۱ و ۳۲، صص ۸۹ - ۸۸.
۳. انواع ادبی، رزمجو، حسین، ۱۳۷۲، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۴. انواع ادبی، شمیسا، سیروس، ۱۳۷۳، تهران: انتشارات فردوس.
۵. بیان حماسی در منظومه حیدری، صادقیان، محمدعلی، ۱۳۸۰، کرمان: مندرج در مجموعه مقالات همایش بزرگداشت راجی کرمانی.

۶. ترجمان البلاغه، رادویانی، محمد بن عمر، به اهتمام احمد آتش، ۱۳۸۰، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۷. تصویرآفرینی در شاهنامه فردوسی، رستگار فسایی، منصور، ۱۳۶۹، نشر دانشگاه شیراز.
۸. حماسه‌سرایی در ایران، صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۶۹، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۹. حمله‌حیدری، جلالی پندری، یدالله، مندرج در دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: انتشارات دایرة المعارف اسلامی، ج ۱۴، ۱۳۸۹، صص ۲۱۲ - ۲۱۰.
۱۰. حمله‌حیدری، راجی کرمانی، بمانعلی، تصحیح یحیی طالبیان، محمد مدبری، ۱۳۸۳، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۱۱. حمله‌حیدری، کیوانی، مجدالدین، مندرج در دانشنامه زبان و ادب فارسی، زیر نظر اسماعیل سعادت، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ج ۲، ۱۳۸۶، صص ۷۵۵ - ۷۵۴.
۱۲. «سبک‌شناسی حمله‌حیدری ملابمانعلی راجی کرمانی»، فضیلت، محمود، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۵۶، ۱۳۷۹، صص ۳۶۱ - ۳۸۰.
۱۳. شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب، زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۱، تهران: انتشارات علمی.
۱۴. صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۷۲، تهران: انتشارات آگاه.
۱۵. طراز سخن در معانی و بیان، صادقیان، محمدعلی، ۱۳۸۲، یزد: انتشارات ریحانه‌الرسول.
۱۶. فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۷۵، تهران: انتشارات سروش.
۱۷. فرهنگ بزرگ سخن، انوری، حسن، ۱۳۸۱، تهران: انتشارات سخن.
۱۸. فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، ام. اچ. آبرامز، جفری گالت هرفم، ترجمه سبزیان مرادآبادی، سعید، ۱۳۸۷، تهران: انتشارات رهنما.
۱۹. فرهنگ جامع شاهنامه، زنجانی، محمود، ۱۳۷۲، تهران: انتشارات عطایی.
۲۰. فرهنگ زبان پهلوی، فره‌وشی، بهرام، ۱۳۵۸، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. فرهنگ کنایات، ثروت، منصور، ۱۳۷۵، تهران: انتشارات سخن.
۲۲. فرهنگنامه کنایه، میرزانی، منصور، ۱۳۸۲، تهران: امیرکبیر.
۲۳. معانی و بیان، علوی مقدم، محمد، اشرف زاده، رضا، ۱۳۷۶، تهران: انتشارات سمت.
۲۴. «مقایسه تطبیقی دو حمله‌حیدری راجی کرمانی و باذل مشهدی» دانشور حکیمه، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، بهار ۱۳۹۲، شماره ۱۰۵، (۱۳۹۲).
۲۵. مقایسه‌ی زبان حماسی و غنایی با تکیه بر خسرو و شیرین و اسکندرنامه نظامی، پارساپور، زهرا، ۱۳۸۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۶. نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس، ۱۳۶۸، تهران: انتشارات فردوس.

۲۷. واژنامک، نوشین، عبدالحسین، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، [بی تا].